#  ۹۵۰۲۱۸-۷۵۱

**شنبه – جلسۀ ۱۲۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به مصدود بود.

بحث به اینجا رسید که عرض کردیم مصدود وظیفه‌اش ذبح هدی است فی مکان الصد، در همان مکانی که مصدود شده است. حالا این به نحو تعیین است یا به نحو تخییر بحثی است که بعدا می‌آید.

برخی قائلند که مصدود مخیر هست بین ذبح فی مکان الصد و فرستادن قربانی یا پول آن به مکه که در مکه برای او ذبح بشود. ولی مرحوم آقای خوئی فرمودند که این خلاف ظاهر ادله است. ظاهر ادله این است که المصدود یذبح حیث صد. این بحثی است که بعدا مطرح می‌کنیم.

فعلا اصل وجوب ذبح بر مصدود محل مناقشه شده. گفته شده که دلیل واضحی ندارد وجوب ذبح بر مصدود مگر همین موثقه زراره: المصدود یذبح حیث صد. این هم ممکن است ناظر باشد به مکان ذبح. یعنی اگر می‌خواهد ذبح کند در مکان صد ذبح بکند. ولی اشکالش این است که این خلاف ظاهر است. ظاهرش این است که می‌خواهد بگوید واجب است مصدود ذبح بکند و تا ذبح نکند از احرام خارج نمی‌شود.

فقط ماند روایت تفسیر قمی که در روایت تفسیر قمی جریان مصدود شدن پیامبر را که بیان می‌کند می‌گوید که پیامبر به آن‌هایی که سوق هدی کرده بودند فرمود انحروا بدنکم و آن‌هایی که سوق هدی نکرده بودند راجع به آن‌ها پیامبر نفرمود بروید تحصیل هدی بکنید.

و لذا دیدم آقای سیستانی می‌فرمایند کسی که سوق هدی نکرده احتیاط واجب این است که در حالی که مصدود شده تحصیل هدی بکند و ذبح هدی بکند برای خروج از احرامش. فتوی نمی‌دهد. بر خلاف آنی که سوق هدی کرده. فکر می‌کنیم دلیل ایشان همین روایت تفسیر قمی باشد.

منتها شبهه ما در این روایت تفسیر قمی این است که این روایت اولا در عمره مفرده است؛ اطلاق ندارد نسبت به عمره تمتع و حج. در عمره مفرده ممکن است تفصیل بدهیم؛ بگوییم سائق الهدی واجب است ذبح کند هدیش را در عمره مفرده اما کسی که سائق الهدی نیست، در عمره مفرده لازم نیست ذبح هدی بکند. و لکن اطلاق المصدود یذبح حیث صد در عمره تمتع و حج شامل می‌شود می‌گوید وظیفه مصدود ذبح است.

[سؤال: ... جواب:] خود پیامبر و اصحاب در همین روایت تفسیر قمی است، پیامبر سوق هدی کرد. ... الان نه؛ ولی زمان قدیم متعارف بوده.

اشکال دوم به روایت تفسیر قمی این است که حتی در مورد خود عمره مفرده هم شاید حضرت دید این‌ها میسور نیست برای شان، آن‌هایی قربانی نیاورند تحصیل قربانی برای آن‌ها میسور نیست، حرجی است. قضیة فی واقعة. امام نقل کرد قصه پیامبر را معلوم نیست که ناظر بود به این‌که این احکام را به یاد مردم بدهد تا بگوییم از اطلاق و ترک استفسار در کلام امام علیه السلام ما کمک می‌گیریم. امام شروع کردند فرمودند آیه انا فتحنا لک فتحا مبینا در صلح حدیبیه نازل شده و جریان را توضیح دادند. شاید پیامبر امر نکرد به آن‌هایی که سوق هدی نکرده بودند بروید هدی تهیه کنید چون دید بر آن‌ها حرجی است در آن شرائط.

ثالثا: عدم البیان لایدل علی عدم الوجود. شاید واقعا پیامبر به آن‌ها دستور داد که اگر می‌توانید حتی آن‌هایی که سوق هدی نکردند بروند تحصیل هدی بکنند برای تحلل از احرام. و لکن در روایت ذکر نشد. روایت می‌گوید من لم یسق هدیا لم یجب علیه الهدی. نمی‌گوید من لم یذبح هدیا. کسی که سوق هدی نکرده باشد تقصیر بکند کافی است برای خروج از احرام در حال مصدود شدن. اما کسی که سوق هدی نکرده است ذبح هدی هم نکرده است؟ شاید ذبح هدی کرده باشد. شما می‌فرمایید لو کان لبان، اگر این امر پیامبر کسانی را که سوق هدی نکرده بودند به آن‌ها فرموده بود بروید تحصیل هدی بکنید اگر همچون امری پیامبر داشت امام علیه السلام هم نقل می‌فرمود؟ چه می‌دانیم. شاید در مقام بیان این خصوصیات نبود امام علیه السلام.

[سؤال: ... جواب:] کسی که سوق هدی کرده، در جریان مصدود شدن باید آن هدیش را ذبح بکند بعد حلق کند. و افرادی بودند چون سوق هدی نکرده بودند حلق نکردند. اما این‌هایی که سوق هدی نکرده بودند ذبح هدی هم نکردند؟ ... چون دارد امام بیان می‌کند که پیامبر بعد از این‌که این‌ها نحر کردند شتران شان را که سوق کرده بودند با خودشان فرمود رحم الله المحلقین. بعد از نحر بدنه حلق کردند پیامبر فرمود رحم الله المحلقین. کسانی که سوق هدی نکرده بودند این‌ها هم بعضی‌ها حلق کرده بودند بعضی‌ها تقصیر کرده بودند. سائقین هدی بعد از نحر هدی شان حلق کردند پیامبر فرمود رحم الله المحلقین. کسانی که سوق هدی نکرده بودند برخی حلق کردند برخی تقصیر. و لذا گفتند بعد از جمله پیامبر که رحم الله المحلقین عرض کردند و المقصرین؟ پیامبر فرمود رحم الله المحلقین. یعنی باز افضل بود کسانی که سوق هدی نکردند حلق کنند. باز اصحاب گفتند و المقصرین؟ پیامبر فرمود و المقصرین اشکال ندارد. آن‌هایی هم که سوق هدی نکردند و تقصیر کردند خدا آن‌ها را هم رحمت کند. یعنی آن‌ها هم کارشان بی اشکال است. این روایت در مقام بیا این جهت است. اما آن‌هایی که سوق هدی نکردند ذبح هدی هم نکردند؟ از دیگران گوسفند گاو شتر نخریدند ذبح کنند یا نحر کنند؟ می‌توانستند و نکردند؟ این در مقام بیان نسبت به این جهت نیست.

و لذا به نظر ما کسی که مصدود است یجب علیه الذبح للخروج من الاحرام. سواء کان سائقا للهدی ام لا.

این راجع به این مسئله.

چون فعلا بحث ما راجع به عمره تمتع است، هنوز بحث مصدود از حج را شروع نکردیم در این مسئله که آقای خوئی مطرح فرمودند، بحث راجع به مصدود از عمره تمتع است. و لذا برخی از احکام مصدود در عمره تمتع را بیان می‌کنیم. در این مسئله ۴۳۹ آقای خوئی فرمودند المصدود عن العمرة یذبح فی مکانه و یتحلل به و مقصود ایشان همان طور که تصریح کردند در صفحه ۳۶۸ از مستند الناسک عمره تمتع است.

راجع به مصدود در عمره تمتع آقای خوئی فرمودند همین که نمی‌گذارند تا روز عرفه این محرم به عمره تمتع به مکه بیاید برای اعمال عمره تمتع، این می‌شود مصدود از عمره تمتع.

آقای سیستانی فرمودند این‌که کافی نیست. برای این‌که می‌گوییم یذبح هدیا و یتحلل به آقای خوئی آخه فرمود المصدود عن العمرة المفردة یذبح هدیا و یتحلل به و الاحوط ضم الحلق او التقصیر الیه، آقای سیستانی فرمودند اگر این مصدود از عمره تمتع هست، و لکن به او گفتند اگر می‌خواهی روز عرفه بروی عرفات تازه اسکورتت هم می‌کنیم می‌بریمت عرفات جای خوبی هم به تو می‌دهیم ولی قبل از روز عرفه نمی‌گذاریم بروی مکه. این مصدود از عمره تمتع هست ولی به چه مجوزی این ذبح قربانی کند و از احرام خارج بشود و برگردد به وطنش؟ احکام حج افراد بر این شخص بار می‌شود. کسی است که محرم شد برای عمره تمتع و نمی‌تواند درک کند مکه را قبل از انقضاء وقت عمره تمتع. این وظیفه‌اش مبدل می‌شود به حج افراد. چرا می‌فرمایید که یذبح هدیا و یتحلل العمرة.

بله، اگر به او بگویند نه مکه می‌گذاریم قبل از انقضاء وقت عمره تمتع بروی نه عرفات و مشعر می‌گذاریم بروی، همینجا در این بیابان بیرون مکه نگه ات می‌داریم تا وقت وقوفین هم بگذرد، بله، اگر این طوری است این می‌شود مصدود و احکام مصدود بر او بار می‌شود.

[سؤال: ... جواب:] این آقا مصدود است. محرم شد برای حج تمتع و متمکن از حج نیست. حالا محرم بشود برای حج تمتع، متمکن از حج افراد باشد، ادله عموماتی که می‌گوید احرم بالمتعة فان ادرکت کنت متمتعا و الا کنت حاجا می‌گوید شما که درک نمی‌کنی زمان عمره تمتع را و لو بخاطر مصدود شدن، کنت حاجا. می‌شود حاج به حج به افراد. اما وقتی که به وقوفین هم نمی‌گذارند این آقا برود می‌شود مصدود عن الحج. اطلاقات مصدود شاملش می‌شود که المصدود یذبح حیث صد. و لو بعد از فوت وقوفین بگویند آقا! اگر می‌خواهی بروی مکه می‌توانی بروی. حالا فعلا که فوت نشده وقوفین. من دیگه از حج امسال محروم شدم، اطلاقات المصدود یذبح حیث صد می‌گیرد او را.

آن روایاتی که می‌گوید که من قدم و قد فاته الموقفان جعل حجه عمرة مفردة، فرض این است که من قدم و فد فاته الموقفان، حالا من قبل از این‌که به آن مرحله برسد، فعلا مصدود از حج هستم، نمی‌گذارند قبل از ظهر روز عرفه مکه بروم، بعدش هم نمی‌گذارند عرفات و مشعر بروم. المصدود یذبح حیث صد. حالا اگر من اعمال مصدود را بجا نیاورم، مدام امروز و فردا بکنم تا بعدش رفع صد بشود بگویند می‌خواهی بعد از فوت موقفین روز مثلا دوازدهم و سیزدهم می‌خواهی مکه، آزادی، حالا بعدش چه بکار بکنم، آن بحث دیگری است. قبل از این‌که به آن مرحله برسد حرف می‌زنیم. حالا این آقا بیرون مکه است، نمی‌گذارند برود مکه برای اعمال عمره تمتع، برای حج هم نمی‌گذارند موقفین، اطلاق المصدود یذبح حیث صد شاملش می‌شود. گوسفند سر می‌برد، حلق یا تقصیر می‌کند برمی گردد به وطنش. چه لزومی دارد برود مکه بشود مصداق من قدم حاجا و قد فاته الموقفان تبدل الی عمرة مفردة؟ ببینید از اول این آقا محرم شده برای عمره تمتع. این قدم حاجا نیست قدم متمتعا است. آن کسی مبدل می‌شود احرام حجش به عمره مفرده که فوت بشود از او موقفین و احرامش هم احرام به حج باشد. ایما حاج. اما کسی که محرم شده به عمره تمتع، حالا هنوز هم که فوت موقفین نشده، نمی‌گذارند نه مکه برود برای اعمال عمره تمتع نه می‌گذارند عرفات و مشعر برود، اطلاق المصدود یذبح حیث صد شاملش می‌شود. و نیازی نیست که صبر کند تا بعد از این‌که موقفین فوت شد اجازه به او بدهند برود مکه اعمال عمره مفرده را بجا بیاورد. حالا این را بعدا بیشتر توضیح می‌دهیم.

آقای زنجانی که راحت تر گرفتند، حالا با ایشان چه می‌کنید؟

ایشان فرمودند که آقا! کسی که نگذارند اعمال عمره تمتع را بجا بیاورد، و بعد برود مسمی وقوف به عرفات را درک کند، این مصدود است. مصدود از عمره تمتع است. و یذبح حیث صد یتحلل بالذبح. ایشان طبق فرمایش شان حتی اگر می‌تواند موقفین را درک کند، ولی نمی‌تواند و نمی‌گذارند و نمی‌تواند عمره تمتع بجا بیاورد قبل از فوت عمره تمتع، ایشان معتقد است که این مصدود است. بر خلاف آقای سیستانی که می‌گفتند یتبدل احرامه الی حج الافراد. اگر بگذارند حداقل وقوف مشعر را درک کند. آقای زنجانی فرمودند نخیر؛ این آقا اطلاقات مصدود شاملش می‌شود؛ صد عما احرم له.

خلاصه کلام این که: کسی که مصدود می‌شود از عمره تمتع، ولی از موقفین مصدود نیست آقای خوئی فرمود که یتحلل بالذبح، آقای زنجانی هم همین طور فرمودند. آقای سیستانی فرمودند نخیر؛ اگر از ادراک موقفین ممنوع نیست، این مبدل می‌شود عمره تمتعش به حج افراد و این نمی‌تواند اعمال مصدود را بار کند.

یک نکته عرض کنم بعد این بحث را بررسی کنیم.

آقای زنجانی راجع به عمره تمتع یک نکته دیگری هم دارند. می‌فرمایند بعضی‌ها و لو می‌رسند، آخر وقت عمره تمتع اعمال عمره تمتع را بجا بیاورند اما زود محرم شده به عمره تمتع، چون عمره تمتع از اول ماه شوال احرامش ممکن است، این از افرادی هستند که اول شوال، اول ذیقعده این‌ها هستند از پاکستان زود می‌روند مکه، نگذاشتند وارد مکه بشود محرم به عمره تمتع هم هست. می‌گویند من حرفی ندارم. به من قول دادند شب عرفه راه را باز کنند، صبح روز عرفه راه را باز کنند ولی حدودا یک ماه و اندی تا آن موقع وقت است. من چطور صبر کنم؟ حرجی است بر من. آقای زنجانی فرمود: اگر حرج شخصی است یا حرج نوعی است با این‌که آخر وقت متمکن از عمره تمتع خواهی بود باز تو مصدود هستی. المصدود یذبح حیث صد.

و در عمره مفرده اگر بود، ایشان می‌گوید در عمره مفرده اگر مصدود می‌شدی، به تو می‌گفتیم که اگر بقائت بر احرام تا رفع صد موجب حرج شخصی یا نوعی باشد در عمره مفرده همین حکم را بار می‌کردیم می‌گفتیم یذبح حیث صد را. اما اگر به حرج شخصی یا نوعی نمی‌افتی، و آخر وقت در عمره تمتع راه را باز می‌کنند باید صبر کنی. و در عمره مفرده هم تا یک سال اگر امید داری راه را باز می‌کنند، باید صبر کند. اگر به حرج شخصی و نوعی می‌افتی هیچ. متحلل بشو با ذبح. ولی اگر به حرج نوعی و شخصی نمی‌افتی، در عمره تمتع، باید آخرین لحظه امکان اتیان به اعمال عمره تمتع را حساب کنی، اگر می‌توانی و لو صبح عرفه اعمال عمره تمتع را بجا بیاوری باید تا آن موقع صبر کنی. و در عمره مفرده هم باید یک سال صبر کنی.

این محصل فرمایش این دو بزگوار است.

اما فرمایش آقای سیستانی اشکالش این است که آقا! شما به چه دلیل می‌فرمایید که این شخصی که مصدود هست از عمره تمتع وظیفه اش مبدل می‌شود به حج افراد؟ اطلاق دلیل المصدود یذبح حیث صد شاملش می‌شود. من نمی‌خواهم حج افراد بجا بیاورم. زور است؟ من محرم شدم به عمره تمتع، نمی‌گذارند بروم مکه. می‌گویند برو اول عرفات و مشعر، بعد از مراسم منی آن وقت می‌توانی بیایی مکه. آن وقت می‌شود حج افراد. چرا اطلاق المصدود یذبح حیث صد شامل من نشود.

آن روایاتی که می‌گوید احرم بالمتعة فان ادرکت کنت متمتعا و الا کنت حاجا، آن ظاهرش این است که اگر کسی نرسید به وقت عمره تمتع، مبدل می‌شود عمره تمتعش به حج افراد. این نمی‌گوید که قبل از این مراحل، قبل از این‌که اصلا برسد به مرحله ای که فوت زمان عمره تمتع بشود، قبل از این‌که برسد به زمان ظهر عرفه، فرض کنید روز اول ذیحجه است، آمده اطراف مکه می‌گویند حق ورود نداری، ولی می‌گذاریم عرفات بروی، المصدود یذبح حیث صد چرا شاملش نشود؟ آن روایاتی که می‌گوید احرم بالمتعة فان ادرکت کنت متمتعا و الا کنت حاجا بعد از تحقق این فوت عمره تمتع، بعد از این‌که عمره تمتع وقتش گذشت و من نرسیدم می‌گوید تبدیل می‌شود احرام عمره تمتعش به حج افراد. نفی نمی‌کند جریان حکم مصدود را برای این شخص متمتع به عمره تمتع قبل از این زمان. الان اول ذیحجه است. نمی‌گذارند من بروم مکه برای اعمال عمره تمتع. فان احصرتم فما استیسر من الهدی. المصدود یذبح حیث صد. الان من مصدود هستم. مصدودم از دخول مکه برای اتیان آن اعمالی که محرم شدم برای آن. حالا اگر من یک وقت اعمال مصدود را بار نکردم، بعد رسید آن زمانی که دیگر وقت عمره تمتع گذشت، به من اجازه دادند بروم عرفات، آن وقت بیایید بگویید شما مشمول خطاب فان ادرکت کنت متمتعا و الا کنت حاجا خواهی بود. اما قبل از این مراحل چه؟ من می‌خواهم برگردم. اول ذیحجه است، نمی‌گذارند عمره تمتع بجا بیاورم، برای چی صبر کنم تا موضوع درست کنم برای فان ادرکت کنت متمتعا و الا کنت حاجا. احکام مصدود: المصدود یذبح حیث صد، فان احصرتم فما استیسر من الهدی را بار می‌کند از احرام خارج می‌شود.

و لذا به نظر می‌رسد که حق با آقای خوئی و آقای زنجانی هست.

منتها راجع به فرمایش آقای زنجانی هم یک نکته ای عرض کنم.

آقای زنجانی فرمودند که اگر در عمره تمتع بگذارند که شما آخر وقت، صبح روز عرفه عمره تمتع بجا بیاوری، اما به حرج می‌افتی تا آن موقع صبر کنی، حالا یا حرج شخصی یا حرج نوعی، و لذا می‌توانی احکام مصدود را بار کنی. ما حرج نوعی را که قبول نداریم. حرج نوعی رافع تکلیف نیست. اما یک مطلبی هست در اینجا و آن این است که چرا به اطلاق المصدود یذبح حیث صد تمسک نکنید؟ اطلاق دارد. و لو به حرج نمی‌افتد نه شخصا نه نوعا. ولی عرفا مصدود است. یک وقت امروز راه بسته است،‌روز دیگر باز می‌کنند، این عرفا مصدود صدق نمی‌کند. ولی یک وقت زمان متنابهی است که نخواهند گذاشت من وارد مکه بشوم، عرفا مصدود هستم.

[سؤال: ... جواب:] مصدودم. وقتی من محرم شدم به قول شما اول ذیحجه برای عمره تمتع به حرج هم نمی‌افتم اگر باقی بمانم بر احرام عمره تمتع، عرفا می‌گویند حالا بمان بیرون مکه یک هتل بگیر یک چادر بزن به حرج چون نمی‌افتی بر تو واجب است این کار؟ عرفا صدق می‌کند مصدود. ... عرفا مصدود صدق می‌کند. چرا ما به اطلاق المصدود تمسک نکنیم؟

و این نکته هم که ایشان فرمود که در عمره مفرده اگر به حرج شخصی یا نوعی مبتلا نمی‌شوید، یک سال به احرام بمانید، یک سال در احرام بمانید، محرم شد مثلا در مسجد شجره نگذاشتند برود مکه می‌گوید من تا یازده ماه دیگر حتما خواهم آمد برای انجام عمره مفرده یک سال نشده می‌آیم، به حرج شخصی هم نمی‌افتم به حرج نوعی هم نمی‌افتم، حالا فرض کنید زنی است مجرد است حالا مردها باید لباس احرام بپوشند یک مقدار شاید حرجی باشد، زنی است مجرد است همان لباس‌های معمولیش را می‌پوشد حالا آرایش نکند چی می‌شود؟ این یک سال تا حالا ازدواج نکرده این یک سال هم ازدواج نکند چی می‌شود؟ به حرج نمی‌افتد نه شخصا نه نوعا آقای زنجانی باید باقی بمانی بر احرام عمره مفرده تو مصدود نیستی تو محصور نیستی. هر عرفی به این می‌گوید المصدود هر عرفی به این می‌گوید المحصور.

امام حسین علیه السلام در روایت است که محصور شدند مریض شدند در سقیا نزدیکی‌ها مدینه محصور شدند مریض شدند امیرالمؤمنین خبردار شد از مدینه تشریف آورد دید امام حسین بیمار است. در بعضی نقل‌ها هست البرسام. بیماری برسام بود حالا بیماری بود. حضرت دستور داد یک شتر را نحر کردند. سر امام حسین را تراشیدند. برگشتند. و الا ممکن است لقائل ان یقول امام حسین حالا یکی دو ماه می‌آمدند مدینه حال شان خوب می‌شد بعد می‌رفتند عمره مفرده بجا می‌آوردند.

[سؤال: ... جواب:] عرفا به این می‌گویند مصدود. عرفا به این می‌گویند محصور. چرا اطلاق دلیل شاملش نشود؟ ... اگر این طور که شما می‌فرمایید که منع تا آخر وقت، در عمره مفرده که وقت ندارد. عمره مفرده وقتش یک سال است. عمره مفرده یک عمل موسعی است. شما اگر سی سال قبل هم محرم شده باشی به عمره مفرده اعمالش را ناقص گذاشته باشید الان به شما می‌گویند کامل کن این عمره مفرده را. عمره مفرده که وقت ندارد. پس شما می‌گویید در عمره مفرده هم باید ببینی تا آخر عمر مصدود هستی از عمره مفرده. این عرفی است؟ آمدی سفر می‌گوید مصدودم نمی‌گذارم بروم باید برگردم وطنم. مصدود است. شما می‌گویید نه؛ برو وطنت یک ماه دیگر بیا. چون به حرج نمی‌افتی. این عرفی نیست. ... مصدود بودن یک امر عرفی است. یک روز مصدود است دو روز مصدود است این‌ها عرفا مصدود نمی‌گویند. ولی وقت متنابهی اگر مصدود است باید برگردد عرفا به وطنش، مدتی بعد بیاید. عرفا مصدود است. پیامبر هم سال بعد مشرف شدند به عمرة القضاء. عرف نمی‌گفت که پیامبر در سال گذشته در حدیبیه مصدود شد از عمره؟ چون عمره مفرده وقت ندارد پس صد صدق نمی‌کند؟ چرا صدق نمی‌کند؟ همین که مجبور است برگردد به وطنش می‌شود مصدود.

[سؤال: ... جواب:] هر کجا به قول مرحوم صاحب کفایه هر کجا عرفا این عنوان صدق کرد ملتزم می‌شویم. عنوان عجز از واجب اختیاری صدق کرد، عنوان صد از انجام عمره یا حج صدق کرد ما ملتزم می‌شویم به این‌که این وظیفه مصدود را انجام می‌دهد. و لو از بقاء در احرام در حرج نیفتد. مهم نیست. مهم این است که این خلاف متعارف است بگوییم بر گرد شهر خودت به این حاج خانم بگوییم برگرد شهر خودت حالا این یکی دو ماه هم بی شوهر بگذران بعد از طریق آزاد ویزا بگیر برو عمره مفرده بجا بیاور. نه، هیج حرج هم نیست. نخیر؛ حرج نیست ولی عرفا این مصدود است. و المصدود یذبح حیث صد.

حالا اگر ما گفتیم در صدق مصدود شرط است استمرار صد تا آخر وقت، به قول آقای زنجانی استمرار صد در عمره مفرده تا یک سال، حالا فعلا مصدود است، می‌تواند استصحاب استقبالی کند که من مصدود خواهم بود تا یک سال بعد؟ من مصدود خواهم بود تا آخر وقت از عمره تمتع؟ و با این استصحاب استقبالی اثبات کند که احکام مصدود بار می‌شود یا نه؟ ان شاء الله فردا این را بررسی می‌کنیم.